



نگاهی به فیلمنامه «سرود کریسمس»

داستان دورانی ما

ریچارد کورلیس

مترجم: علی افتخاری

پرفورمنس-کیچر این امکان را به بازیگران می‌دهد که در یک صحنه خالی راحت نقش‌آفرینی کنند. پس زمینه‌ها از دفتر کار اسکروچ گرفته تا چشم‌اندازهای شبانه شهر لندن همه و همه بعداً توسط هنرمندان تصاویر کامپیوتری اضافه شده است.

اما پاسخ چرای ساخت این فیلم چیست؟ **سرود کریسمس** فیلمی درباره کریسمس است، اما هفت هفته قبل از کریسمس اکران شد. در یک دهه گذشته اوایل نوامبر زمانی برای اکران فیلم‌های کریسمسی از جمله **پاپا نوئل** و دنباله‌های آن بود.



نکته اصلی ارتباط داستان دیکنز با اتفاقات معاصر است. خوب، البته شاید زمه کیس هنگام ساخت فیلم این مسئله را در ذهن نداشت. او قطعاً تولید **سرود کریسمس** را پیش از آغاز بحران در اقتصاد جهانی آغاز کرد، اما در شرایط فعلی این داستان جهانی داستان دوران ماست. زمه کیس با فیلم‌هایی چون **بازگشت به آینده**، **چه کسی برای راجر رابیت پاپوش دوخت؟** و **فارس گامپ** خود را به عنوان فیلم‌سازی مطرح کرده که از منابع رسانه استفاده می‌کند تا فانتزی به نظر واقعی بیاید. او که یک شومن اصلاح‌ناپذیر است، پیش خود فکر کرده آن چه **سرود کریسمس** کم دارد، این است که اسکروچ به یک مخلوق کوچک تبدیل و چند صحنه تعقیب و گریز پیچیده نیز به آن اضافه شود.

در مجموع فیلمنامه زمه کیس تا حد زیادی به متن نزدیک است. تقریباً تمام واژه‌ها از کتاب دیکنز می‌آید. این کمک می‌کند لندن قرن نوزدهم با ثروت بزرگ و فقر گروتسک آن با آمریکای امروز مرتبط شود و نگاه اجتماعی پر قدرت دیکنز مابه‌ازای امروزی خود را پیدا کند. اسکروچ واقعی همچنان الیستر سیم در فیلم بریتانیایی سال ۱۹۵۱ است. (احتمالاً کری هم این طور فکر می‌کند.) اما چرا نباید به نسخه دیسنی - زمه کیس - کری نگاه کنیم؟

منبع: **تایم** مجله

وقتی خبرنگاران ایده تهیه یک گزارش را می‌دهند، دبیر آنها سؤال می‌کند: چرا این؟ و چرا الان؟ این قضیه در مورد نوع انتخاب فیلم جدید رابرت زمه کیس هم صدق می‌کند. چرا **سرود کریسمس**؟ مسئله این نیست که داستان چارلز دیکنز - که اولین بار سال ۱۸۴۳ منتشر شد - برای مخاطبان ناآشناست.

شاید بتوان گفت هر بخش این قصه و کلمه به کلمه آن (در واقع تمام ۲۸۷۲۳ آن) در کنار کتاب‌های مقدس، آشناترین داستان تاریخ باشد. صرف نظر از میلیون‌ها پدر و مادری که تاکنون این داستان را برای بچه‌هایشان خوانده‌اند، ماجرای اسکروچ در قالب اپرا، اپرت و انواع و اقسام روایت‌های نمایشی روایت شده است.

سابقه **سرود کریسمس** در سینما به سال ۱۹۰۱ و در تلویزیون به ۱۹۴۳ بازمی‌گردد. در سینما نقش اسکروچ را رچینالد اوون (برای مترو گلدوین مهیر در ۱۹۳۸)، آلستر سیم بزرگ (در یک فیلم سال ۱۹۵۱ با دو عنوان **اسکروچ** و **سرود کریسمس**)، آلبرت فینی (در یک نسخه موزیکال در ۱۹۷۰) و مایکل کین بازی کرده‌اند و جان کارادین، رالف ریچاردسن، فردریک مارچ، جورج سی. اسکات و هویت اکستن از کسانی هستند که در تلویزیون در این نقش ظاهر شده‌اند.

این داستان در اپیزودهایی از مجموعه **مرد شش میلیون دلاری** هم روایت شده و دهها اقتباس انیمیشنی هم از روی آن ساخته شده است. بنابراین پاسخ زمه کیس به این که چرا این؟ می‌تواند این باشد که چرا نه؟ همه این کار را کرده‌اند، اما انگیزه اصلی نویسنده و کارگردان برای ساخت فیلمی که اسپانسرهای او نام **سرود کریسمس دیسنی** را برایش انتخاب کرده‌اند، به کار بردن اسباب‌بازی محبوبش، تکنیک زنده - انیمیشن موسوم به پرفورمنس-کیچر در مورد داستان دیکنز است.

او این تکنیک را در دو فیلم **قطار سریع‌السیر قطبی** و **بئولف** هم به کار برد. اکنون زمه کیس می‌تواند جیم کری را استخدام کند تا نه تنها نقش مردی که به روح‌ها خیره می‌شود، بلکه نقش سه روح کریسمس را هم بازی کند که هر سه شخصیت اندازه و جلوه کار تونی دارنند.